

اعتبار سنجی سندی و دلالی روایت «زیارة الاربعین»

سید محمد موسوی^۱، مصطفی عباسی مقدم^۲، مرتضی سازجینی^۳

چکیده

حدیث «زیارة الاربعین» دو طریق اصلی دارد که به امام صادق علیه السلام می‌رسد. محدثین متقدم و متأخر مانند شیخ طوسی در مصباح المتعجد و تهذیب الاحکام، شهید اول در المزار و شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه، روایت را در کتب خود ذکر کرده و در مواردی بر اساس آن فتوا داده‌اند.

حدیث «زیارة الاربعین» حدیثی راهبردی برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز بیستم صفر در کربلای معلایست. حدیث پژوهان امامیه از این روایت دو تقریر متفاوت داشته‌اند: گروهی معتقدند این روایت ظهور بر حضور زائر در کربلا داشته و با توقف کوتاهی باید به دیار خود بازگردد. برخی دیگر حضور زائر در کربلا را از این روایت برداشت ننموده و آن را حدیثی ضعیف و دارای حجیت نمی‌دانند؛ به همین جهت تحقیق پیش‌رو از یک سوبه بررسی سندی این روایت به روش توصیفی-تحلیلی پرداخته که ثابت می‌کند در یکی از این دو طریق، راوی مجهولی وجود دارد و به خاطر همین مسأله از نظر علم درایة الحدیث یک طریق این سند «ضعیف» محسوب می‌شود و طریق دیگر

۱. دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه کاشان؛ seyedmosavi1375@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه کاشان؛ abasi1234@gmail.com

۳. دانشجوی دکترا دانشگاه علوم و معارف قران کریم قم؛ mortaza.1370@chmail.ir

«صحيح» است. همچنين عرضه اين حديث به قرآن و همچنين توجه به اقوال دانشمندان اماميه، مي تواند ضعف سندی اين روايت را جبران کند؛ زيرا با تحليل متن اين روايت عدم مخالفت با قرآن کریم احراز شده و با تمسک به قاعده «عمل اصحاب جابر ضعف سند است» مي توان آن را دارای اعتبار دانست. بنا بر اين با بررسی های انجام شده مي توان اين روايت را مأثور و از ناحیه مقدسه معصومين عليهم السلام دانست و بر اساس آن عمل کرد.

واژگان کلیدی: امام حسين عليه السلام، زیارة الاربعين، اعتبارسنجی سندی-دلالی.



۱. مقدمه

زیارت یکی از عرصه‌های تحقق مودت و محبت بین زائر و مزور است؛ زائر می‌تواند در پرتوی حضور خویش، پایه‌های ارادت و مودت خویش به مزور را استحکام بخشد. امروزه زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین^۱ به عنوان یکی از آموزه‌های اصیل تشیع و موجب ایجاد موج عظیمی است که اهمیت «زیارة الاربعین» و جایگاه آن را بیان می‌کند. استناد اعتقادات دینی انسان به قرآن و سنت معصومین علیهم السلام می‌تواند ضرورت این پژوهش را دوچندان کند؛ چراکه شهرتی که مستند به روایات معصومین علیهم السلام باشد حجیت بخش بوده و مفید علم است و موجبات افزایش ایمان و اطمینان زائر را فراهم می‌کند و او را در عزم خویش راسخ می‌نماید.

حدیث پژوهان می‌بایست با غور در میراث حدیثی، احادیث صحیح از سقیم را بازشناسند و از خطرات و انحرافات پذیرش بی‌چون و چرای احادیث آگاهی بخشی نمایند. در میان مصادر روایی معتبر نظیر تهذیب الاحکام نوشته شیخ الطائفه محمد طوسی رحمته الله علیه این روایت در عنوان «زیارة الاربعین» به تفصیل ذکر شده است:

«أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلْعُكَبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ عليه السلام فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ انْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ - السَّلَامُ عَلَيَّ وَ لِي اللهُ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللهِ وَ نَجِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللهِ وَ ابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ... نُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ وَ تَنْصَرِفُ»^۲.

پاسخگویی به شبهات مطرح شده درباره حدیث «زیارة الاربعین» از یک سو و همچنین ضرورت پرداختن به شبهات ناظر به این حدیث از سوی دیگر امری انکارناپذیر است؛ به نظر می‌رسد برخی در فهم معنا و مدلول این روایت دچار اختلاف شدند

۱. بیستم صفر المظفر مصادف با چهلم شهادت امام حسین علیه السلام.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳.

و در فهم مقصود روایت تردید کردند و با استناد به روایت مرسله امام حسن عسکری علیه السلام می‌کوشند، دلیلی نقلی برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز بیستم صفر بیان نمایند. برخی نیز با استعانت از قاعده «تسامح در ادله سنن» معتقدند که نباید در مستحبات به شرایط حجیت ادله، سخت گرفت و در اعمال استحبابی می‌کوشند به روایتی ضعیف که شرایط حجیت را ندارد تکیه کنند^۱. بنابراین در این پژوهش اعتبارسنجی سندی و دلالتی حدیث «زیارة الاربعین» راهی برای برون رفت از این شبهه خواهد بود.

برخی از علما با استناد به شواهد تاریخی نظیر زیارت امام حسین علیه السلام توسط اُسرای شام، زیارت جابر بن عبدالله انصاری و همچنین سیره علمای امامیه و محدثین در این روز تمسک کردند. باید تأکید کرد که این موارد هیچ کدام کاشف از رأی معصوم علیه السلام نخواهد بود و ما در مرحله امتثال ظنی^۲ خواهیم ماند و چیزی بیش از یک ظن بی اعتبار نیست. بعضی نیز به روایت مرسله بر زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین استدلال کرده و چنین تصور کردند که این دلیل منتهی به دلیل قطعی بوده و الزام آور است.^۳ برخی دیگر به روایاتی عام در خصوص زیارت امام حسین علیه السلام استناد کرده و زیارت امام حسین علیه السلام را در هر روز و شرایطی مستحب دانسته اما به زیارت ایشان در روز خاص (روز بیستم صفر المظفر) اشاره‌ای نکردند؛^۴ که البته این روایات نیز در جایگاه خود باید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ اما از حوصله این جستار خارج است. می‌توان با عنایت به مطالب پیشین و بررسی سندی و دلالتی روایت «زیارة الاربعین» دو فرضیه را در تحلیل این روایت ترسیم نمود:

۱. روایت از لحاظ سندی صحیح بوده و زیارت حرم مطهر امام حسین علیه السلام از روایت برداشت می‌شود؛ به بیانی دیگر این روایت از نظر دلالتی موافق با قرآن کریم بوده و حدیث زیارت امام حسین علیه السلام در روز بیستم صفر المظفر قابل

۱. نک: رسائل فقهیه، ص ۱۳۷.

۲. نک: مبادی فقه و اصول، ص ۱۶۶.

۳. نک: المزار الکبیر، ج ۱، ص ۳۵۲.

۴. نک: بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۹.

تمسک بوده و دارای حجیت است و حرکت و جابه جایی زائر ملاک صدق زیارت امام حسین علیه السلام خواهد بود و دلیلی است منتهی به دلیل قطعی و می توان به این روایت، همچون دیگر روایات مأثور از معصومین علیهم السلام عمل نمود.

۲. روایت از لحاظ سندی ضعیف بوده و نمی توان به آن اعتماد نمود.

به همین خاطر پژوهش و تحقیق در این عرصه بسیار ضروری خواهد بود؛ چراکه حرمت عمل به ظن با ادله اربعه ثابت شده؛ چنان که اگر حکمی با دلیل قطعی یا با آنچه به دلیل قطعی منتهی شود، ثابت نشده باشد نمی توان بر آن حجت شرعی اقامه کرد؛ همچنین باید در حدّ وسع و توان جلوی دست اندازی و شبهه اندازی معاندان را در مسائل اعتقادی مبتلا به مردم را گرفت و دستیابی به این مهم از اهداف ارزشمند این پژوهش است با توجه به فرضیه های مذکور سؤالی که در این پژوهش به آن پاسخ خواهیم داد عبارت است از:

اعتبار روایت «زیارة الاربعین» از لحاظ سندی و دلالتی چگونه است؟
آیا این روایت قابل تمسک و دارای حجیت است؟

۱.۱. پیشینه تحقیق

مطابق جستجوی نویسندگان این مقاله، پژوهش پیش رو در نوع خود بدیع بوده و تاکنون در این موضوع پژوهشی انجام نشده است. البته در فضای اینترنت با اشاره های محدود افرادی در صدد تبیین این موضوع بودند؛ اما هیچ یک در حدّ مقاله علمی نمی باشد؛ با این حال پژوهش هایی پیرامون موضوعاتی تحت عنوان زیارة اربعین انجام شده که به آن اشاره می شود:

۱. «پیام اربعین در زیارت اربعین» نوشته عبدالکریم پاک نیا، مجله مبلغان، دی ماه ۱۳۸۸. در این جستار نویسنده می کوشد یکی از مهمترین محورهای فرهنگ شیعی را در زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین بررسی نماید.



نویسنده به طور مختصر در پاورقی به روایت امام حسن عسکری علیه السلام استناد جسته و به کتاب «روضه الواعظین و بصیرة المتعظین» فتال نیشابوری به عنوان منبع حدیث اعتماد نموده تا به نوعی پشتوانه علمی و دلیلی نقلی بر زیارت اربعین ارائه نماید. کوشش انجام پذیرفته فاقد هرگونه بررسی رجالی و فقه الحدیثی بوده و در این پژوهش صرفاً مفاهیم موجود در زیارت اربعین پی جویی شده و نویسنده به احیای فرهنگ شهادت، روحیه شهادت طلبی و جهاد در مکتب اسلام پرداخته است.

۲. «زیارت اربعین امام حسین علیه السلام» نوشته مجید فولادی، مجله مبلغان مهر و آبان ۱۳۹۶. نویسنده در نوشتار سعی می کند با تتبع و غور در جوامع حدیثی شیعه و با تشکیل خانواده حدیث برای مستندسازی زیارت اربعین اقدام کند. مطلبی که نویسنده به آن تکیه نموده روایات کلی در باب استحباب زیارت امام حسین علیه السلام است؛ اما در خصوص روایت زیارة الاربعین تنها به روایت امام حسن عسکری علیه السلام استناد کرده است. تفاوت کلیدی پژوهش پیش رو با این تحقیق، واکاوی منابع متقدم روایی و بررسی سندی و دلالتی این روایت جهت کشف دلیل معتبر روایی است و گذر سریع از روایات و بی توجهی به سند و متن روایت راه شبهه افکنی درباره زیارت امام حسین علیه السلام در بیستم ماه صفر المظفر را می گشاید و از این جهت تحقیق در این موضوع ضرورت پیدا می کند.

۳. سخنان مقام معظم رهبری «چهار شاخص اربعین و زیارت اربعین»، نوشته داود مؤذنیان، مجله مبلغان، آبان و آذر سال ۱۳۹۶. در این تحقیق سخنان مقام معظم رهبری درباره زیارت اربعین گردآوری شده و محورهای ایستادگی، مقاومت، حق گرایی، حقیقت گویی، روشن گری، حفظ آرمان ها و ارزش ها و یاد شهدا در این تحقیق به تفصیل بررسی شده است.

۴. «تحلیل آموزه امامت در زیارت نامه اربعین»، نوشته محمد رنجبر حسینی، مجله پژوهش نامه معارف حسینی، پاییز ۱۳۹۶. این پژوهش به صورت موضوعی یکی از آموزه های معرفتی زیارت نامه را بررسی می کند. در این

پژوهش تأکید شده که در روز اربعین خواندن زیارت نامه بسیار سفارش شده تا جایی که طبق روایت امام حسن عسکری علیه السلام یکی از علامت‌های مؤمن، زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین است. این زیارت نامه گنجینه‌ای از این باب شناخت آموزه امامت است. نویسنده با تحلیل فرازهایی از این زیارت نامه، درباره اعتقاد به امام علیه السلام به عنوان حجت خدا بر خلقش و اوصاف او به بحث و بررسی می‌پردازد.

۵. «پژوهشی در اربعین حسینی»، نوشته محسن رنجبر، مجله تاریخ اسلام، بهار ۱۳۸۴. در این پژوهش روایت امام حسن عسکری علیه السلام مرسله دانسته شده و منشأ این حرکت جمعی را در گزارش‌های تاریخی جستجو می‌کند. وی علت اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین را بازگشت اهل بیت پیامبر علیهم السلام از شام و زیارت قبر سیدالشهدا علیه السلام توسط جابر عبدالله انصاری تلقی می‌کند. او به طور مفصل منابع تاریخی در این زمینه را مورد بررسی قرار داده؛ اما نام و نشانی از بررسی‌های روایی در این تحقیق وجود ندارد.

۶. «بررسی سبک شناسانه دلالت‌های آوایی و نحوی زیارت نامه اربعین»، نوشته محمود شهبازی، مجله پژوهش‌نامه معارف حسینی، زمستان ۱۳۹۶. در این تحقیق زیارت نامه اربعین به عنوان متنی ادبی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده تأکید می‌کند زیارت نامه‌ها باید همانند دیگر متون در چهارچوب علوم و دانش‌های ادبی نوین تحلیل شوند؛ علاوه بر درک زیبایی‌های ادبی آن‌ها، موضوع و محتوای مورد نظر آن به صورت علمی برای مخاطبان عرضه شود؛ از این رو با تکیه به علم سبک شناسی، متن ادبی را به لایه‌های آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی تجزیه می‌کند؛ سپس با بررسی ویژگی‌های هر سطح و تکرار آن‌ها در متن، دیدگاه و احساس خالق اثر را درباره موضوع بیان می‌کند تا مخاطب شناخت علمی و درک بهتری نسبت به اثر داشته باشد.

چنانچه مشخص شد تحقیقی مجزا و عالمانه در خصوص اعتبار سنجی سندی و دلالی روایت زیارة الاربعین انجام نگرفته و به همین جهت در این پژوهش با رویکرد



توصیفی به تحلیل این روایت در منابع متقدمین و متأخرین می پردازیم. این پژوهش در نوع خود جدید و با اهمیت قلمداد می شود؛ چراکه این نوشتار با رویکردی رجالی و فقه الحدیثی به تبیین این روایت پرداخته و این تحقیق قدمی برای پژوهش های دیگر پیرامون این موضوع خواهد بود.

۲. بررسی سندی روایت

۲.۱. گونه های نقل

مصادر و منابع روایی متقدم و معتبری که روایت زیارة الاربعین در آن ذکر شده است شامل مصباح المتعجد و سلاح المتعبد^۱ و المزار^۲ می باشد و نیز این روایت در کتاب وسائل الشیعه^۳ در باب «تأکد استحباب زیارة الاربعین» نیز مشاهده شده است. محتوای روایت زیارت اربعین در نسخ مختلف به صورت ثابت ذکر شده و تغییر و تصحیفی که معنا و محتوای روایت را مختل نماید وجود ندارد؛ اگرچه ممکن است اختلافاتی جزئی در چاپ های مختلف زیارت نامه وجود داشته باشد. تعبیر «فَإِذَا أَرَدْتَ زِيَارَتَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فَرُزُهُ عِنْدَ اِرْتِفَاعِ النَّهَارِ» در کتاب شهید ثانی و تعبیر «تَزُورُ عِنْدَ اِرْتِفَاعِ النَّهَارِ» در کتاب وسائل الشیعه شیخ حرعاملی به این مطلب تصریح دارد. ظاهراً تعبیر دوم هماهنگی بیشتری با کتب روایی دیگری دارد؛ چراکه در کتاب المزار شهید، فعل طلبی «رُزِه» مشاهده می شود؛ اما در کتب دیگر این فعل به صورت مضارع «تزور» استعمال شده است. البته ممکن است در این میان اغراض بلاغی نیز نهفته باشد؛ به این معنا که جمله خبری به داعی انشا به کار رفته باشد؛ چراکه در زبان عربی استعمال الفاظ خبری و اراده دعا از رایج است.^۴

۱. مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۸۹.

۲. المزار، ص ۱۸۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

۴. مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، ج ۳، ص ۵۵.

مهمتر اینکه شیخ حرعاملی در کتاب خود فتوا به استحباب زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین داده است^۱ اما شائبه ای که در این فتوا دیده می شود؛ این است که از این فتوای استحباب، دو برداشت می توان داشت:

۱. با توجه به قرائن درون متن روایت مؤیدی بر سفر زائریه کربلا در روز اربعین وجود دارد.

۲. فتوای استحباب می تواند در حد خواندن محتوای زیارت نامه امام حسین علیه السلام در روز بیستم صفر از «السَّلَامُ عَلَی وَلِیِّ اللَّهِ وَ حَبِیْبِهِ ...» خلاصه شود. با این توضیحات می توان با درایت و تأمل در متن این روایت، این اختلاف برداشت را تا حدودی مرتفع نمود.

۲.۲. ارزیابی سلسله سند

حدیث پژوهان برای راویان حدیث شرایطی را برای تحمل و نقل حدیث متذکر شدند که وجود آن شرایط موجب اطمینان به صحت نقل آن ها و احتجاج به روایاتشان می گردد؛ از این رو لازم است شرایط شخص راوی که موجبات حجیت کلام او را فراهم می کند و مشمول ادله حجیت خبر واحد می شود را مورد توجه و بررسی قرار دهیم. حدیث پژوه در برخورد اول با یک متن حدیثی باید سه مولفه را مورد دقت قرار دهد تا بتواند به این پرسش پاسخ دهد که آیا این متن همان حدیث معصوم علیه السلام است؟ از این جهت منبع، سند و متن حدیث باید به طور کامل مورد بررسی قرار بگیرد و از هر سه جهت معتبر باشد؛ چراکه یکی از قرائن عمده برای اطمینان به صدور روایت از معصوم علیه السلام و ارزیابی صحت انتساب آن به معصوم علیه السلام بررسی سندی است.

بنا بر آنچه بیان شد، بر اساس قواعد علم حدیث، برای شناسایی حدیث سره از ناسره، سند روایت «زیارة الاربعین» را از نظر می گذرانیم:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸. به عنوان «باب تأکد استحباب فی زیارة الاربعین» دقت شود. شیخ حرعاملی رحمته الله در عناوینی از کتاب که احکام تکلیفی را ذکر نکرده، اعتقاد به استحبابی بودن آن داشته است.

«أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكْبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ»^۱.

با دقت در زنجیره سندی این روایت و نیز با توجه به گونه‌های مختلف سندی، می‌توان این حدیث را دارای سند عطف عادی (با واو) قلمداد کرد به طوری که این حدیث دارای دو طریق است.^۲ سند عطف عادی سندی است که به کمک واو عاطفه، یک راوی (یک طبقه^۳) بر یک راوی (یک طبقه) عطف شده است؛^۴ در این گونه اسناد در حقیقت جمع میان دو یا چند سند شده است.

باز سازی سند فوق به دو سند از این قرار است:

۱. أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكْبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَالَ.
۲. أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكْبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَالَ.

همانطور که مشخص شد باید برای بررسی سند زیارة الاربعین در کتاب مصباح المتهدج، درباره احوال افراد موجود در سلسله سند مطالعه کنیم:

۱. أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكْبَرِيِّ: هارون بن موسی بن احمد بن سعید بن سعید (م ۳۸۵) مکنی به ابو محمد از قبیله بنی شیبان از محدثان معتبر و معروف امامیه به شمار می‌آید. نجاشی در ترجمه این شخصیت بزرگ تعابیر «کان وجهاً فی

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳.

۲. باید خاطر نشان کرد دو طریق این روایت در یک سند گنجانیده شده است. سند عطف عادی در تشخیص این دو طریق به ما کمک شایانی می‌کند.

۳. طبقه در اصطلاح به راویانی گفته می‌شود که هم عصر و هم سن بوده و در ملاقات مشایخ و اخذ حدیث از استاد شریک بوده اند (مامقانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۸).

۴. آشنایی با اصول علم رجال، ص ۲۷۵.

اصحابنا»، «ثقة» و «معتدلاً لا يطعن عليه» را به کار می‌برد. برای او کتب مختلفی ذکر کرده‌اند از جمله: الجوامع في علوم الدين که توسط ایشان به نگارش و تدوین در آمده است.^۱ با این توصیفات اولین نفر در طریق شیخ طوسی از معتمدین و ثقات محدثین محسوب می‌شود. ابن طاووس از او با عنوان الشيخ الصدوق یاد کرده است.^۲ شیخ مفید نیز در کتاب لمح البرهان (تألیف ۳۶۳)، تلعبیری را در شمار فقهای عصر و روایت و فضلا آورده است.^۳

هارون بن موسی تلعبیری از مشایخ متعدد حدیثی استماع کرده است. مهمترین شیخ حدیث وی محمد بن همام رئیس دانشمندان بغداد و احمد بن ادریس اشعری است که در مسیر سفر خود به حج از ایشان تلمذ کرده و در منزل ایشان مهمان شده است.^۴ در اسناد بسیاری نقل تلعبیری از محمد بن همام مشهود است.^۵ محمد بن حسین بن حفص خثعمی (م ۳۱۷)، از دیگر اساتید تلعبیری است که به او اجازه نقل حدیث داده است. تلعبیری در سال ۳۱۵ و پس از آن از وی حدیث شنیده و روایات تلعبیری از وی در برخی منابع رجالی و حدیثی گزارش شده است.^۶ از دیگر استادان عنفوان جوانی هارون بن موسی، ابوبکر محمد بن سلیمان باغندی است^۷ و همچنین از ابوالقاسم بغوی نیز روایت کرده است.^۸

به گفته نجاشی مردم برای استماع حدیث به خانه تلعبیری می‌آمدند؛^۹ این تعبیر می‌تواند گویای این باشد که ایشان دارای شاگردان بسیاری بوده است. گفتنی است

۱. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. فلاح السائل ونجاح المسائل، ص ۵۲.

۳. به نقل از الاقبال باعمال الحسنه، ص ۵.

۴. رجال النجاشی، ص ۹۲.

۵. الاقبال باعمال الحسنه، ص ۱۱.

۶. الفهرست، ص ۳۰۸.

۷. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۴، ص ۲۸۷.

۸. همان.

۹. رجال النجاشی، ص ۴۳۹.



شیخ طوسی، با واسطه «جماعة من اصحابنا» از تلعبکبری روایت کرده است.^۱ شیخ مفید از وی با تعبیر «شیخنا» یاد نموده و ابن طاووس نیز به شاگردی شیخ مفید نزد تلعبکبری تصریح کرده است.^۲ سید مرتضی علم الهدی و سید رضی از دیگر شاگردان ممتاز تلعبکبری هستند.^۳

۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ: محمد بن علی بن معمر الکوفی صاحب الصبیحی با کنیه ابا الحسین از هارون بن موسی التلعبکبری در سال ۳۲۹ هجری حدیث شنیده و هارون بن موسی التلعبکبری از معمر کوفی اجازه نقل حدیث دارد. شیخ موسی زنجانی در جامع فی الرجال درباره خودش و روایاتش گفته است: «نقی الروایه»، «کثیر الحدیث» و «اعدّه فی الحسن کالصحیح».^۴ در کتاب تهذیب المقال آمده است: معمر کوفی در سلسله ناقلان این حدیث شریف است: «عن أبي الحسن الرضا، عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن الله تعالى: علي حصني، من دخله أمن ناري».

همچنین شیخ طوسی در امالی نام محمد بن علی بن معمر را جزو زنجیره روایات این حدیث قلمداد کرده است.^۵

آیت الله خویی در کتاب معجم رجال الحدیث خود به شرح نکات محدودی در مورد این شخصیت بسنده می کند. ایشان از چهار نفر نقل حدیث می کند: حسن بن علی بن فضال، علی بن محمد بن مسعده، هارون بن موسی التلعبکبری و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب.

مرحوم خویی در مورد این راوی از رجال شیخ طوسی چنین نقل می کند: «رجال الشيخ فيمن لم يرو عنهم عليهم السلام». ^۶ مرحوم شیخ طوسی در کتاب رجال خود بابتی را ایجاد کرده تحت عنوان «باب من لم يرو عن واحد من الأئمة عليهم السلام» و نام افراد و روایانی را

۱. به نقل از میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۴، ص ۲۸۷.

۲. الاقبال باعمال الحسنه، ص ۱۸.

۳. خصائص الأئمة، ص ۵۷ و ۶۴.

۴. نک: الجامع فی الرجال، ج ۱۰، صص ۵۹-۶۰.

۵. تهذیب المقال، ج ۵، ص ۱۹۳.

۶. معجم الرجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۳۲.

که به صورت مستقیم از معصومین علیهم السلام حدیث نقل نکرده‌اند را جمع آوری نموده است. بنابراین عبارت «فیمن لم یرو عنهم» یعنی کسانی که از معصومین علیهم السلام حدیث نقل نکرده‌اند و با واسطه نقل می‌کنند.

خلاصه آنچه بیان شد این است که روایات ایشان از لحاظ علم درایة الحدیث «حسن کالصحیح» است؛ چراکه اسم ایشان روشن بوده و جرحی نیز از سوی علمای رجال به دست ما نرسیده و همچنین این راوی بنا به نقل مرحوم عباسی زنجانی محمد بن علی بن معمر حدیث زیاد نقل کرده و همچنین روایات وی را تلقی به صحیح کرده است.

۳. **أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعَدَةَ:** با تتبع در منابع رجالی اطلاعات واضح و کاملی در مورد علی بن محمد بن مسعدة به دست نیامد. آیت الله خویی در کتاب خود به ذکر دو نکته در مورد ایشان بسنده می‌کند^۱.

علی بن محمد بن مسعدة از محمد بن علی بن معمر نقل حدیث کرده است^۲. سعدان بن مسلم از این راوی نقل حدیث می‌کند^۱ البته رجالی معاصر شیخ عباسی زنجانی نام علی بن محمد بن مسعدة را به عنوان یکی از راویان حدیث زیارة الاربعین ذکر می‌نماید که از محمد بن علی بن معمر کوفی نقل حدیث کرده است^۲. با توجه به این نکته می‌توان به اتصال سندی این روایت حکم کرد و از این حیث روایت در حالت مرسله قرار نخواهد گرفت.

نکته قابل توجه در مورد این راوی، اشتراک این نام در سه شخصیت است؛ بعضی از بزرگان ایشان را «مسعدة بن صدقة» که در دو کتاب کافی و تهذیب ذکر شده می‌دانند و بعضی دیگر او را «مسعدة بن زیاد العبدي» دانسته و بعضی او را «علی بن محمد بن مسعدة» معرفی کرده‌اند. در نهایت گفته‌اند: «لا یمكن الجزم بأحدهما».

نام این راوی در کتاب کافی و وسائل الشیعه ذکر شده؛ اما «فلاندری من کان» در

۱. همان، ج ۲۲، ص ۱۲۷.

۲. نک: الجامع فی الرجال، ج ۷، ص ۳۵۷.

مورد این راوی تصریح شده با این حال این شخصیت را می‌توان در علم رجال جزو «رواة المشرکون» در نظر گرفت.^۱ بعضی از کتب رجالی در مورد این راوی از تعبیر «لم یذکروه» نیز استفاده کردند.^۲ با این توصیفات می‌توان از لحاظ علم درایة الحدیث ایشان را جزو رواات مجهول الحال دانست.

۴. سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمٍ: علمای رجال اقوال متعددی در مدح این راوی بیان کردند. نجاشی در ترجمه سعدان بن مسلم، اسم او را عبدالرحمن بن مسلم، مکنّی به ابوالحسن العامری می‌داند و از جمله کسانی است که از ابی عبدالله و ابی الحسن علیهما السلام نقل روایت کرده است و نجاشی در مورد او می‌گوید: «وعمّر عمراً طویلاً» و می‌گوید در عشیره سعدان بن مسلم بین علما اختلاف است به طوری که استاد نجاشی جناب عثمان بن حاتم التغلبی می‌نویسد: «سعدان بن مسلم از عشیره بنی زهرة بن کلاب است و الله اعلم». لازم به ذکر است که نجاشی تأکید می‌کند که «له کتاب یرویه جماعه» اما اطلاعات و توضیحاتی در مورد این کتاب بیان نمی‌کند.^۳

شیخ طوسی در ترجمه ایشان به این نکته اشاره می‌کند که «له اصل». کلام شیخ و نجاشی در مورد سعدان بن مسلم این نکته را تقویت می‌کند که ایشان صاحب یکی از اصول اربعمأه می‌باشد؛ همچنین شیخ در مورد سعدان می‌نویسد: «وی از امام صادق علیه السلام و ابراهیم بن هاشم نقل روایت کرده است».^۴

آیت الله خویی در گزارش رجالی و احصای نظرات رجالیون مختلف مطالب قابل توجهی در مورد این راوی عظیم القدر ذکر می‌کند: «سید الداماد، سعدان بن مسلم شیخ کبیر القدر جلیل المنزلة له وعدة في رجاله من أصحاب الصادق علیه السلام و همچنین وی اضافه می‌کند که سعدان بن مسلم «له أصل رواه عنه جماعة من الثقات والاعیان کصفوان بن یحیی و غیره.» و اسم سعدان بن مسلم در عده ای قابل توجهی از روایات ذکر

۱. ثلاثیات الكلینی، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲. مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۴۷۰.

۳. نک: رجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۹۳؛ رجال ابن داود، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴. الفهرست، ج ۱، ص ۱۴۰.

شده است؛ به طوری که به ۶۰ مورد می‌رسد؛ یعنی نام وی در اسانید کتب معتبر امامیه نظیر کافی و تهذیب و استبصار به چشم می‌خورد. مطلبی که در بین توضیحات آیت الله خویی ارزشمند جلوه می‌کند این است که از بین چندین نفری که از ایشان نقل روایت کرده‌اند نام علی بن محمد بن مسعدة، مکتبی به ابوالحسن آمده که این مسأله نشان دهنده اتصال سند روایت زیارة الاربعین نیز خواهد بود.^۱

اصول اربعمائة توسط بزرگانی از شیعه تصنیف شده که مورد اعتماد اصحاب امامیه است؛ به این معنا که اگر کسی لا اقل صاحب یکی از این اصول باشد می‌توان روایات او را پذیرفت؛ هر چند مدحی در مورد او یافت نشود یا علمای رجال به تعدیل وی نپرداخته باشند.^۲ با توجه به این نکته می‌توان روایت جناب سعدان بن مسلم را برای این حدیث پذیرفت.

۵. صَفْوَانُ بْنُ مَهْرَانَ الْجَمَّال: محدث نامور جناب صفوان بن مهران از مردان نیک و مورد اعتمادی است که بزرگان امامیه به احادیث منقول از او اهمیت می‌دهند و ایشان در اخلاق و عمل به مقامی نائل شده بود که مورد تایید امام معصوم علیه السلام قرار گرفت. صفوان بن مهران جمال اسدی کوفی، مکتبی به ابومحمد کسی است که خدمت امام صادق علیه السلام رسید و امام علیه السلام او را ستود و به او فرمود: «رحمك الله»^۳. صفوان همان شخصیتی است که زیارت مخصوص امیرالمؤمنین علیه السلام و زیارت اربعین و دعای معروف به دعای علقمه را از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.^۴

کنیه او «ابومحمد» است؛ اما چون بعدها مشغول کار شترداری شد و شتران خود را کرایه می‌داد، ملقب به «جمال» شد و زادگاه وی نیز شهر کوفه بود و به این جهت به «کوفی» معروف گردید و چون از تبار قبیلۀ معروف بنی اسد بود، به «اسدی» نیز نامیده

۱. معجم الرجال الحديث، ج ۹، ص ۱۰۴.

۲. نک: کلیات فی علم الرجال، ص ۴۷.

۳. کان من شیوخ ابی عبدالله علیه السلام و خاصته و بطانته و ثقاته الفقهاء الصالحین علیهم السلام.

۴. معجم الرجال الحديث، ج ۹، ص ۱۲۱.

می شد.^۱ شاگردان بسیاری در محضر وی تلمذ نمودند و ده ها محدث شیعی از محضر وی بهر مند شده و توانستند احادیث ائمه اطهار علیهم السلام را در سطح جامعه اسلامی منتشر کنند. شاگردان او عبارتند از:

سندی بن محمد، عبدالله بن قُضاعة، عبدالله بن محمد الحجال، حسن بن محبوب، سُعدان بن مسلم، عبدالرحمن بن حجاج، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، اسماعیل بن مهران، ابن ابی عمیر، علی بن حکم، حسن بن علی بن فضال، صفوان بن یحیی، سلیمان بن مهران اعمش و هشام بن سالم.^۲

۶. **الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ:** آخرین راوی مذکور در سند حدیث «زيارة الاربعین» جناب حسن بن علی بن فضال تیملی کوفی (م ۲۲۴ ق) مکنی به ابوالحسن است. برخی از علما رجال، حسن بن فضال را از اصحاب اجماع محسوب کرده اند.^۳ با جستجو در منابع رجالی این نکته به خوبی فهمیده می شود که او در منابع رجالی بسیار توصیف و تکریم شده و به فضل، علم، فقه و دیانت ستوده شده است؛ چنانکه شیخ طوسی درباره وی می گوید: «حسن بن فضال از امام رضا علیه السلام نقل کرده و از نزدیکان ایشان محسوب می شد و مردی جلیل القدر، عظیم المنزله و در حدیث و روایاتش ثقه بوده است.»^۴

نجاشی در ستایش و مدح وی از تعبیری همچون «كان فقيه اصحابنا في الكوفة»، «وجههم و عارفهم و ثقتهم بالحديث» استفاده کرده است.^۵ محسن امین در کتاب اعیان الشیعة درباره او می نویسد: «هر چند تاریخ رجوع وی از فطحیه مورد اختلاف است ولی این از اعتبار روایات وی نمی کاهد و مجالی برای توقف در عمل به روایات وی نیست؛ چه آن روایاتی که در زمان فطحی بودن نقل کرده چه بعد از آن؛ به ویژه آنکه

۱. اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۲۸.

۲. رجال الطوسی، ص ۲۲۰، ش ۴۱.

۳. اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۳۲-۸۳۱.

۴. الفهرست، ص ۹۸.

۵. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۴.

امام عسکری علیه السلام امر به اعتماد بر روایات بنی فضل کرده است.^۱
 کسی نیز با وجود اینکه شائبه فطحی بودن وی وجود دارد در تقییم و توثیق او مطمئن
 است و با نقل روایتی تاریخی از فضل بن شاذان درباره میزان زهد و تقوای حسن بن
 فضال او را می ستاید و او را از راویان مورد اعتماد معرفی می کند.^۲

۲,۳. بررسی و ارزیابی سند روایت

در فرآیند شناسایی روایت صادره از معصوم علیه السلام و اطمینان به صدور حدیث زیارة
 الاربعین، یکی از سه مولفه مهم مورد کنکاش رجالی قرار گرفت؛ با توجه به دو طریق و
 سند زیارة الاربعین و جرح و تعدیل هر کدام از روایات، دقت به نکات زیرشایان توجه
 است:

۱. طریق اول روایت که شامل هارون بن موسی التعلکبری (امامی، ثقه)، محمد بن
 علی بن معمر (امامی، حسن کالصحیح)، علی بن محمد بن مسعده (امامی،
 مجهول)، سعدان بن مسلم (امامی، ثقه)، صفوان بن مهران (امامی، ثقه)
 می باشد از لحاظ علم درایة الحدیث داوری درباره سند در تمام تقسیمات
 چهارگانه حدیث و غیر آن بر اساس حداقل خصوصیات صورت می گیرد؛
 همان گونه که در علم منطق، نتیجه تابع اخس مقدمات است؛^۳ لذا اگر در
 سند یک حدیث، برخی راویان عادل، برخی حسن و برخی ضعیف باشند
 حدیث «ضعیف^۴» تلقی می شود؛ همچنان که اگر چهار نفر عادل و امامی
 باشند و تنها یک نفر غیر امامی و موثق باشد؛ به رغم آنکه اکثریت عادل هستند

۱. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۸.

۲. اختیار معرفه الرجال، ج ۲، صص ۸۰۱ و ۸۰۲.

۳. اصول الفقه، ج ۳، ص ۶۸.

۴. حدیث مجهول حدیثی است که یک یا چند راوی آن ناشناخته باشند و یا در منابع رجالی اظهار نظری که
 وثاقت یا ضعف او را ثابت نکند بیان نشده باشد.

روایت موثق شمرده می‌شود.^۱ بنابراین و از آنجایی که حدیث ممکن است از جهات مختلف (نرسیدن به معصوم علیه السلام)، عدم اتصال سند، عدم تعدیل و توثیق راوی) محکوم به ضعف شود می‌توان اذعان کرد که طریق اول روایت زیارة الاربعین از لحاظ علم درایة الحدیث تلقی به حدیث «ضعیف» می‌گردد. البته مجهول یا مهمل بودن راوی، دلیل برضعیف بودن شخص یا دروغ گو بودن وی نخواهد بود و بنا به قرائن و نکاتی که در ادامه بیان خواهد شد، ضعف سندی روایت زیارة الاربعین قابل جبران خواهد بود و می‌توان به آن استناد کرد.

۲. طریق دوم روایت زیارة الاربعین که شامل راویانی از جمله: هارون بن موسی التعلکبری (امامی، ثقه)، محمد بن علی بن معمر (امامی، حسن کالصحیح)، حسن بن علی بن فضال (امامی، ثقه)، سعدان بن مسلم (امامی، ثقه)، صفوان بن مهران (امامی، ثقه) می‌باشد و حدیث دارای اتصال سند و همچنین رسیدن به معصوم علیه السلام تلقی به مسند بودن خواهد شد. گفتنی است در طریق دوم همه روایات در زنجیره سند، امامی مذهب، ثقه و مورد اطمینان هستند و با در نظر گرفتن این نکته از لحاظ علم درایة الحدیث این طریق حدیث زیارة الاربعین «صحیح» تلقی خواهد شد.

۳. بررسی جنبه دلالی و محتوایی روایت

دقت در محتوای حدیث زیارة الاربعین و بررسی جنبه‌های دلالی این حدیث می‌تواند به مسأله این پژوهش پاسخ دهد. اعتبار یک حدیث می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مورد دقت قرار گیرد؛ اما متقدمین بر صدور روایت از معصوم علیه السلام تأکید داشته و اصل پذیرش روایات را وثوق به صدور و اکتساب علم به صدور روایت می‌دانند؛ در حالی که متأخرین به علت فاصله ایجاد شده از عصر ائمه علیهم السلام به ضوابط رجالی تأکید بیشتری دارند.^۲ با این توضیحات و بررسی قرائن مؤید بر سفر زائر در روز بیستم صفر می‌تواند هر

۱. الرعاية لحال البداية في علم الدراية، ۱۴۲۳، ص ۶۸

۲. ثقات الاخبار في رواة الاخبار، ص ۶۰؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۴۷

گونه شکی را از این روایت مهم بزداید.

۳/۱. تبیین مفاد عبارات روایت

زیارت در لغت به معنای مطلق تمایل و میل کردن است؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک؛ با گرایش قلبی و قصد همراه باشد یا نباشد؛ با اکرام و تعظیم زیارت شونده همراه باشد و یا نباشد.^۱

در کتاب مفردات راغب اصفهانی آمده است: «الزوار اعلی الصدر وزرت فلاناً تلقیته بزوری أو قصدت زوره نحو وجهته»؛ یعنی به بالای سینه گویند و فلانی را زیارت کردم، یعنی با بالای سینه ام او را ملاقات کردم، یا اینکه بالای سینه او را قصد نمودم^۲ هنگامی که به سویش توجه کردم.^۳

برای تحقق زیارت افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور و زیارت شونده با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد. زیارت دیداری مشتاقانه با حضور در پیشگاه اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام و حضور در اماکن مقدسه و رویارویی با پیشوایان دین است.^۴

تعبیر «وَتَنْصَرِفُ» نیز در تمامی نقل‌های حدیث زیارة الاربعین ذکر شده است؛ این نشان می‌دهد که زائر باید هنگامی که به زیارت امام حسین علیه السلام شرفیاب می‌شود بعد از زیارت به شهر خود بازگردد و این عبارت قرینه‌ای دیگر مبنی بر حضور زائر در روز بیستم صفر در کربلاست.

۱. نک: مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۱۹.

۲. یعنی او را ببینم؛ چراکه انسان همیشه سرو بالای سینه مخاطب و زائر را زیارت می‌کند و به پای شخص کاری ندارد.

۳. نک: مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۳۸۶.

۴. نک: گزیده شوق دیدار زیارت و درون مایه آن، ج ۱، ص ۱۰.



۳،۲. مستندات قرآنی روایت

با توجه به اهمیت دستیابی به احادیث صادره از معصومین علیهم السلام در بدست آوردن آموزه‌های صحیح و اصیل اسلامی، پالایش آن‌ها از زمان حضور ایشان آغاز شده و روش ارزیابی متنی را دربرمی‌گیرد.^۱ مهمترین معیار ارزیابی متنی احادیث، عرضه آن‌ها بر قرآن کریم است^۲ که در احادیث مورد تأکید قرار گرفته است.^۳ با توجه به احادیث متواتر، قرآن مهمترین سنجه برای ارزیابی احادیث و تحصیل وثوق به مضمون آن‌ها است.

از نظر دانشمندان مختلف نظیر علامه طباطبایی هدف از عرضه برقرآن احراز موافقت حدیث با قرآن نیست؛ چون موافقت با قرآن، شرط حجیت حدیث نیست؛ بلکه مخالفت با قرآن، مانع اعتبار است^۴ و هدف در این قسمت، احراز عدم مخالفت با قرآن است.^۵ بنابراین موافقت با قرآن یعنی عدم مخالفت با آن^۶؛ چراکه قرآن متکفل بیان جزئیات نیست و احادیث زیادی وجود دارد که در قرآن از محتوای آن سخنی به میان نیامده است.^۷

راجع به عرضه روایت زیارة الاربعین به قرآن باید به این نکات توجه کرد:

۱. احادیث موافق با قرآن معتبر هستند.
۲. احادیث مخالف با قرآن، حجت نیستند.
۳. احادیثی که موافقت و مخالفت آن با قرآن معلوم نیست باید بنا به حکم عقل و منطق در برابر آن توقف و سکوت نمود.^۸

۱. نک: علم الحدیث و درایة الحدیث، صص ۹۱ تا ۹۳.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۶ و ج ۱۲، ص ۱۰۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۸۴.

۴. تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۳۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۸۸.

۶. مقصود از موافقت و مخالفت حدیث با قرآن در احادیث عرض، اسماعیل سلطانی، ص ۷۵.

۷. شیخ طوسی و روش‌های نقد حدیث در تهذیبین، فتحیه فتاحی زاده و دیگران، ص ۱۰۹.

۸. نک: شیعه در اسلام، صص ۹۳-۹۵.

۳،۲،۱. آیات دال بر تأیید زیارت قبور مؤمنین

خدای سبحان با ذکر داستان اصحاب کهف و حوادث مختلفی که برای این گروه موحد و خداجوی پیش آمد، اصحاب کهف را در غاری به مدت طولانی به خواب فرو برد همانطور که قرآن کریم درباره آنان می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (بعد از آنکه آنان مجدداً از خواب طولانی بیدار شدند و دریافتند که یاران و دوستان خود را از دست داده و زمان طولانی از زندگی گذشته آنان می‌گذرد از خدا خواستند که چشم از این جهان بپوشند و به جوار رحمت حق منتقل شوند و چنین شد. آن‌ها چشم از جهان بستند و جسدهای آن‌ها در غار مانده بود که مردم به سراغ آنان آمدند و در امر اصحاب کهف به نزاع و ستیز پرداختند جمعی از آن گروه برای حل منازعه چنین گفتند: «فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا»^۲ ساختمان‌هایی به روی [جایگاه] آنان بنا کنید [تا از دیده‌ها پنهان بمانند]. مؤمنان راستین که از این امر آگاهی یافته بودند و آن را سند زنده‌ای برای اثبات رستخیز به مفهوم حقیقیش می‌دانستند، سعی داشتند این داستان هرگز فراموش نشود و لذا گفتند: ما در کنار مدفن آن‌ها مسجد و معبدی می‌سازیم تا مردم یاد آن‌ها را از خاطر نبرند؛ به علاوه از روح پاک آن‌ها استمداد طلبند «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا».

بنابراین داستان قرآنی، موضوع «زیارت مؤمنین» در آیات فوق با لحن موافقی آمده است و این نشان می‌دهد که ساختن معبد و مسجد به احترام قبور بزرگان دین نه تنها حرام نیست بلکه کار خوب و شایسته‌ای است.

با این توضیحات و با تأیید زیارتگاه شدن غار اصحاب کهف تردیدی در جواز تأیید و موافقت قرآن کریم بر فضیلت زیارت مؤمنین به خصوص امام حسین علیه السلام به نحو

۱. کهف: ۶۲. همانگونه که آن‌ها را به خواب فرو بردیم از آن خواب عمیق و طولانی بیدار کردیم و مردم را متوجه حالشان نمودیم تا بدانند وعده رستخیز خداوند حق است.

۲. کهف: آیه ۲۱

موجبه کلیه باقی نگذاشت.^۱

یکی دیگر از آیاتی که می‌توان بر حضور مؤمنین بر سراهل قبور به آن تأکید کرد آیه شریفه «وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ»^۲ می‌باشد. در این آیه خداوند متعال رسول اکرم ﷺ را نهی می‌کند بر کسی که منافق بوده نماز میت بخواند و همچنین از اینکه کنار قبر منافقی بایستد و برای او دعا و استغفار و طلب آمرزش نماید و نیز بر می‌آید که استغفار برای منافقین و همچنین نماز خواندن بر جنازه‌های ایشان و ایستادن کنار قبور ایشان و طلب مغفرت کردن، لغو و بی نتیجه است.

در این آیه تلویحاً اشاره‌ای است به اینکه رسول خدا ﷺ بر جنازه مؤمنین نماز می‌خواند و در کنار قبور ایشان می‌ایستاد و طلب مغفرت می‌کرد.^۳ لذا از این آیه می‌توان مفهوم مخالف برداشت کرد؛ یعنی هنگامی که خدای سبحان می‌فرماید: «وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ» یعنی دأب و منش رسول خدا ﷺ چنین بوده است که بر سر مزار و قبور افراد حاضر می‌شد و برای آنان دعا و استغفار می‌نمود و این از سنت‌های عملی رسول خدا ﷺ می‌باشد که در این آیه به آن اشاره شده است. همچنین استحباب زیارت اهل قبور مخصوصاً مؤمنین از این آیه مستفاد می‌گردد و مجدداً تأیید و عدم مخالفت قرآن با زیارت قبور مؤمنین استفاده می‌شود و زیارت مؤمن در هر زمان و مکانی مورد تأیید و تأکید قرآن کریم است.

۳،۲،۲. دیدگاه عالمان

قاعده‌ای بین فقها معروف است با این تقریر که ضعف سند یک روایت با عمل اصحاب جبران می‌گردد؛ به طور مثال شهید ثانی در کتاب مسالک، در مسأله‌ی عدّه طلاق چنین می‌نویسد: «روایت‌های وارده خالی از ضعف نیست؛ زیرا در طریق روایت

۱. نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۶۷؛ تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۸۸.

۲. توبه: ۸۴. هرگز به جنازه هیچ کدام از آنان نماز نخوان و بر قبر او [برای دعا و طلب آمرزش] نایست؛ زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند.

۳. نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۸۷.

اول محمد بن عیسی قرار دارد که وضعیت او خیلی روشن نیست و در طریق روایت دوم افراد مجهولی قرار دارند. اما نزد اصحاب ضعف اینگونه دلایل به وسیله شهرت جبران می شود.^۱

در علم منطق گاهی اوقات در مواجهه با پرسش ها به دو صورت نقضی و حلی به سوالات پاسخ می دهند. اگر چنانچه در این قسمت به صورت نقضی به ضعف سند روایت زیارة الاربعین توجه نمایم این چنین مشکلات سندی در روایات و احادیث مورد عمل اصحاب امامیه نظیر صحیفه سجادیه علیه السلام و نیز زیارت عاشورا^۲ وجود دارد؛ با دقت در این نکته اگر در برخی نقل های زیارت عاشورا ضعف اندکی مشاهده شود در شهرت بی نظیر این روایات و احادیث در بین آحاد متشرعین و فقها و محدثین امامیه شک و تردیدی وجود ندارد؛ به علاوه در زیارت های دیگری با وجود سندهای خوب چنین شهرت عملی یی یافت نمی شود؛ بنابراین می توان از این قاعده در ترقی و ترمیم ضعف سندی روایت زیارة الاربعین بهره جست^۳؛ کما اینکه وجوه قابل توجه دیگری در این جستار بر ارتقا و ترقی و ترمیم ضعف سندی این روایت اقامه گردید و می توان با این حدیث معامله روایت مأثور از ناحیه مقدسه معصومین علیهم السلام نمود.

۴. نتیجه گیری

۱. با فحوص در منابع حدیثی روایت «زیارة الاربعین» در کتب معتبره و مورد اعتماد دانشمندان امامیه نظیر مصباح المتعجد شیخ طوسی، تهذیب الاحکام او، المزار شهید اول و نیز وسائل الشیعه شیخ حرعاملی ذکر شده است.
۲. با غربال رجالی که به تفصیل در این نوشتار به آن پرداخته شد، این سند با وجود عطف عادی دارای دو طریق است که تفاوت این دو طریق به علت وجود دو راوی

۱. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۸، ص ۸۹.

۲. نک: «بررسی سندی زیارت عاشورا»، محمد قربانی مقدم، ص ۹۶.

۳. همان، ص ۹۶.



است که می‌تواند در حکم به صحت و ضعف سند مؤثر باشد. راوی طریق اول محمد بن علی بن مَعْمَر بوده که از لحاظ رجالیون روایت‌های او را تلقی به قبول نموده و در ترجمه او صفات «نقی الروایة»، «کثیر الحدیث» و «حسن الصحیح» ذکر کرده‌اند. از این رو این طریق با وجود روات ثقه از نظر علم درایة الحدیث حکم به صحت طریق داده شد. طریق دیگر وجود راوی به نام علی بن محمد بن مسعده است که در کتب رجالی نام وی برده شده؛ اما جرح و تعدیلی از وی بنا به تتبع صورت گرفته به دست نیامد از این رو وی در این طریق، مجهول الحال شناخته شد و با توجه به علم درایة الحدیث حکم به ضعف این حدیث می‌شود؛ البته ذکر این نکته لازم است که مجهول بودن راوی دلیلی بر کذاب و وضاع بودن راوی نمی‌باشد و برای کذب او باید دلیل معتبر اقامه شود.

۳. با عرضه روایت زیارة الاربعین به قرآن کریم و دقت به اقوال علمای امامیه و همچنین تمسک به قاعده «عمل اصحاب جابر ضعف سند است» می‌توان به این روایت اعتبار بخشید و از ضعف سندی یکی از طرق آن چشم پوشی نمود؛ کما اینکه در این دو طریق غیر از آن راوی مذکور (علی بن محمد بن مسعده) مابقی روات از ثقات جلیل‌القدر امامیه محسوب می‌شوند.

۴. بررسی‌های جنبه‌های دلالی و تحلیل عبارات ذکر شده در حدیث اطمینان به صدور از طرف معصومین علیهم‌السلام را ارتقا بخشیده است. خلاصه اینکه با بررسی سندی و متنی این روایت در این جستار به این نتیجه می‌رسیم که این حدیث از ناحیه معصوم علیهم‌السلام صادر شده و قرائن و شواهد معتنابه برای تکیه بر این روایت اقامه گردیده است. نکته آخر این است که با توجه به عباراتی که در این حدیث ذکر شده است در روز بیستم صفر المظفر حرکت و جا به جایی مکانی زائر برای ابراز ارادت و محبت خویش به امام حسین علیهم‌السلام توصیه و مورد تأکید امام صادق علیهم‌السلام قرار گرفته است.

کتابنامہ

۱. قرآن کریم.
۲. اختیار معرفۃ الرجال، کشی، محمد بن عمر، محقق مہدی رجایی، خلاصہ کنندہ محمد بن حسن طوسی، قم، موسسہ آل البيت علیہ السلام لاحیاء التراث، بی تا.
۳. اصول الفقہ، مظفر، محمد رضا، قم: موسسہ النشر الاسلامی التابعہ لجامعۃ المدرسین، بی تا.
۴. اعیان الشیعۃ، امین، محسن، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق.
۵. الاقبال بالاعمال الحسنۃ، ابن طاووس، تہران: چاپ افست، ۱۳۶۷ش.
۶. آشنایی با اصول علم رجال، دلبری، سید علی، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی علیہ السلام، ۱۳۹۵ش.
۷. بحار الانوار الجامعۃ لدرر اخبار الائمة الاطهار علیہم السلام، مجلسی، محمد باقر، مصحح: علی اکبر غفاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. بررسی سندی زیارت عاشورا، قربانی مقدم، محمد، مجلہ حدیث پژوهی، شماره ۱۵، ۱۳۹۵ش.
۹. تفسیر تسنیم، جوادی آملی، عبد اللہ، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۸ش.
۱۰. تفسیر نمونہ، مکارم شیرازی، ناصر، تہران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۴ش.
۱۱. تلخیص مقباس الہدایۃ، مامقانی، تلخیص و تحقیق علی اکبر غفاری، تہران: سمت، ۱۳۸۸ش.
۱۲. تہذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ابطحی، محمد علی، قم، ۱۴۱۷ق.



۱۳. تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، طوسی، محمد بن حسن، تهران: چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. ثقات الاخیار فی رواة الاخبار، مظاهری، حسین، بی جا: الزهراء، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. ثلاثیات الكلینی، ترمس العاملی، امین، قم: موسسة دار الحدیث الثقافية، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. الجامع فی الرجال، عباسی زنجانی، موسی، تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم: موسسه تحقیقاتی ولی عصر عجل الله تعالی، ۱۳۹۴ ش.
۱۷. خصائص الائمة عليهم السلام، رضی، محمد بن شریف، مشهد: چاپ محمد هادی امینی، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. رجال ابن داود، ابن داود حلّی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، مشهد: آستان الرضویة عليها السلام المقدسه، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. رجال النجاشی، نجاشی، احمد بن علی، تصحیح آیت الله شبیری زنجانی، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۲۱. رسائل الفقیهیه، مرتضی بن محمد امین انصاری، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. الرعاية لحال البداية فی علم الدراية و البداية فی علم الدراية، شهید ثانی (زید الدین بن علی)، قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۳ ق.
۲۳. شیخ طوسی و روش های نقد حدیث در تهذیبین، فتاحی زاده، فتحیه و افشاری، نجمیه، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۴، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. شیعه در اسلام، طباطبایی، سید محمد حسین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

۲۵. علم الحديث ودرایة الحديث، مدیرشانه چی، کاظم، قم: انتشارات
جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۲۶. فلاح السائل ونجاح المسائل في عمل اليوم واللیلة، ابن طاووس، قم:
چاپ غلامحسین مجیدی، ۱۳۷۷ش.

۲۷. الفهرست، طوسی، محمد بن حسن، بی جا: نشرالفقاهه، ۱۴۱۷ق.

۲۸. کلیات في علم الرجال، سبحانی، جعفر، قم: النشرالاسلامی، ۱۴۱۴ق.

۲۹. گزیده شوق دیدار زیارت و درون مایه آن: رکنی یزدی، محمد مهدی،
مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی علیه السلام، دوم، ۱۳۸۷ش.

۳۰. مبادی فقه و اصول، فیض، علیرضا، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران،
۱۳۶۶ش.

۳۱. مجمع البحرين، طریحی، فخرالدین بن محمد، مصحح حسینی
اشکوری-احمد، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.

۳۲. المزار (لشهاد الاول)، شهید اول، محمد بن مکی، قم: چاپ اول، ۱۴۱۰
ق.

۳۳. المزار الكبير، ابن مشهدی، محمد بن جعفر، مصحح جواد قیومی
اصفهانی، قم: دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه
علمیه قم، ۱۴۱۹ق.

۳۴. مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، شهید ثانی، زید الدین بن علی،
قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.

۳۵. مستدرکات علم رجال الحديث، نمازی شاهرودی، علی، قم: جماعه
المدرسين في الحوزه العلمیه، ۱۳۶۳ش.



۳۶. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، طوسی، محمد بن حسن، بیروت: موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
۳۷. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، خویی، ابوالقاسم، بیروت: دارالزهراء علیها السلام، ۱۴۰۳ق.
۳۸. مغنی اللیب عن كتب الأعراب، ابن هشام انصاری، جمال الدین، ترجمه صفایی، دمشق: دارالفکر، ۱۹۸۵م.
۳۹. مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت-دمشق: دارالقلم-دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۴۰. مقصود از موافقت و مخالفت حدیث با قرآن در احادیث عرض، سلطانی، اسماعیل، نشریه معرفت، سال هجدهم، ۱۳۸۸ش.
۴۱. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ذهبی، محمد بن احمد، قاهره: چاپ علی محمد بجاوی، ۱۹۶۳م.
۴۲. میزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۳. وسائل الشیعه، حرعاملی، محمد بن حسن، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

